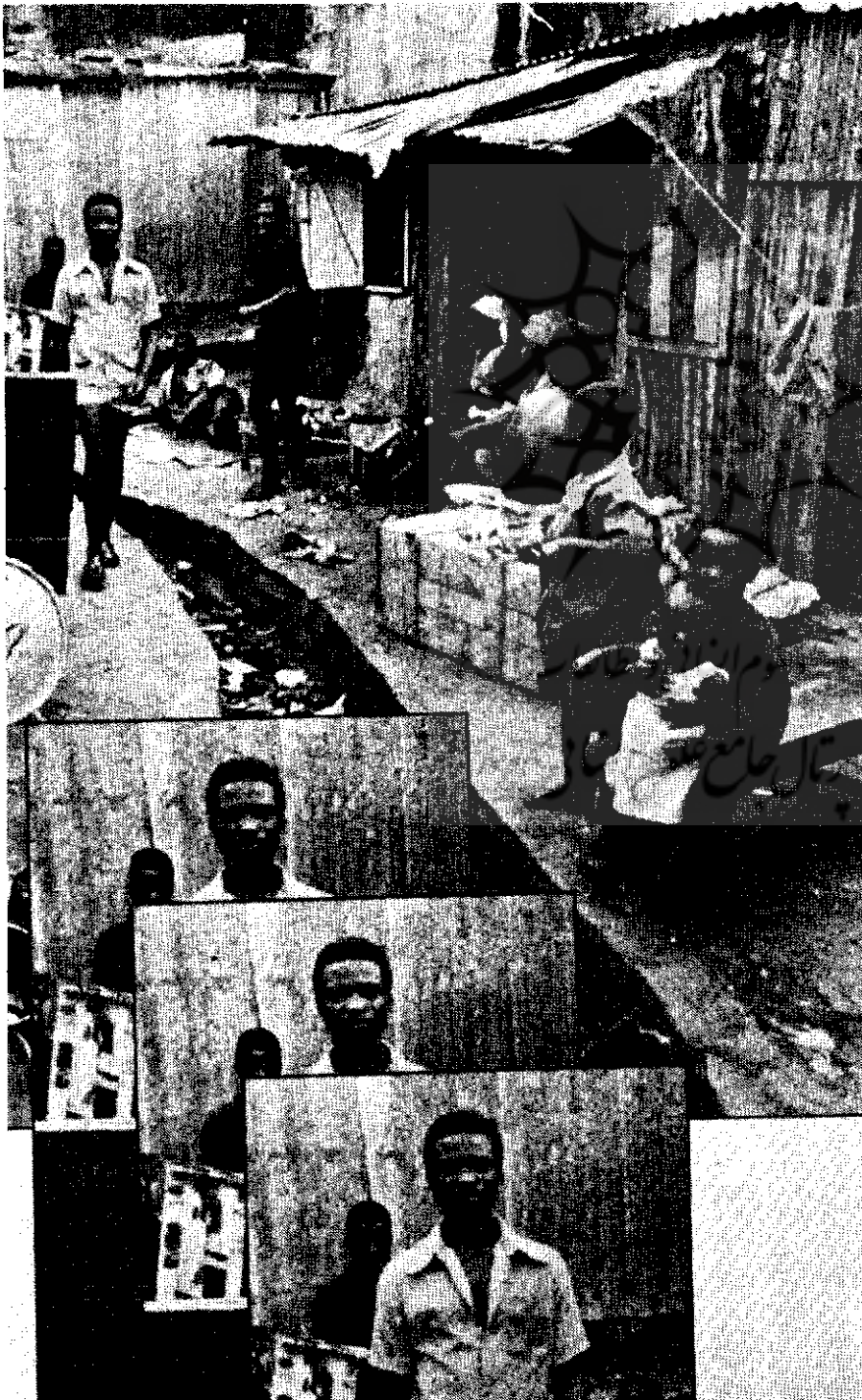




○ مفهوم توسعه

۱- مشخصه‌های جامعه عقب افتاده



اشاره: دکتر آر پی میسرا دارای دکترای عالی در جغرافیا و اقتصاد از صاحب نظران و کارشناسان بزرگ برنامه ریزی محلی و منطقه‌ای است. «میسرا» بنیانگذار انستیتوی آموزشها و مطالعات توسعه در دانشگاه میسور هند بوده و در سال ۱۹۷۹ با سمت معاونت رئیس به مرکز سازمان ملل برای توسعه منطقه‌ای (unCRD) پیوست. «میسرا» تاکنون بیش از ۲۰ کتاب و تعداد زیادی مقالات علمی به رشته تحریر درآورده و در حال حاضر قائم مقام رئیس دانشگاه الله آباد در هند می‌باشد.

آنچه می‌خوانید فصل اول از کتاب «برنامه ریزی محلی» می‌باشد که توسط دکتر میسرا گردآوری گردیده و فصل اول را خود نوشته است. مقاله «مفهوم توسعه» به این دلیل برای چاپ در مجله جهاد انتخاب و ترجمه گردید که مقولات مربوط به توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم و همچنین توسعه نیافتگی جهان غرب را با زبان ساده بیان نموده است. البته بعزت طولانی بودن، این مقاله در دو یا سه شماره به چاپ خواهد رسید و در اولین بخش تعدادی از مشخصه‌های عقب افتادگی در کشورهای جهان سوم را مطالعه خواهید نمود.

۱- مشخصات عقب افتادگی

کلمات برنامه ریزی و توسعه کرار امورد استفاده قرار می‌گیرد و اینطور بنظر می‌رسد که معنا و مفهوم این کلمات برایمان قابل درک است، ولی آیا واقعا اینطور است؟ اگر گذری به روستانمائیم و از یک کارگر فقیر و بدون زمین کشاورزی سؤال کنیم که معنای توسعه چیست چه پاسخی بمانی دهد؟ بدون شک تصور چنین آدمی از پیشرفت و توسعه عبارت خواهد بود از داشتن یک قطعه زمین و دو گاو نر که با آن در زمینش زراعت نماید. مفهوم این کلمه برای یک انسان گرسنه عبارتست از یک تکه نان، برای یک جوان بیکار شهری اشتغال بکار، برای کسی که یک ماشین دارد داشتن دو ماشین و بسیاری مستخدمین دولتی و اشخاص فنی مانند مهندسین پیشرفت بمعنای گرفتن پروژه‌های اجرایی است تا تولید در مزارع و کارخانجات افزایش یابد. اصولا هیچگونه توافق عمومی در این نظریات وجود ندارد ولی رهبران جوامع پیشرفته و همین طور عقب افتاده قبول کرده‌اند که پیشرفت و توسعه موضوع اصلی سیاست عمومی است.

در مورد معنای کلمه توسعه هیچگونه توافقی بین برنامه ریزان و مستفکرین

وجود ندارد. بعضی آنرا بمعنای افزایش درآمد می‌شناسند. عده‌ای دیگر روی اشتغال، درآمد، کیفیت زندگی، شادی و غیره تاکید می‌ورزند. معهدا عده‌ای بر آوردن احتیاجات اولیه زندگی مردم را پیشرفت می‌دانند. در واقع این کلمه برای افراد مختلف دارای معانی و مفاهیم گوناگون است ولی چیزی که همه روی آن توافق دارند این است که پیشرفت و توسعه امری لازم و ضروریست و هر کس آنرا می‌خواهد، البته بهمان صورت و طریقی که تصورش را دارد.

مشکل درک معنای پیشرفت داستان افراد کور و فیل را بخاطر ما می‌آورد. این افراد اجزاء بدن فیل را درست توصیف می‌کردند ولی نتیجه گیریشان اشتباه بود زیرا فقط اجزاء فیل نشان دهنده این حیوان نیست و برای توصیف شکل فیل باید تمام قسمتهای بدن فیل در یک زمان و در ارتباط بایکدیگر دیده شود.

درک و توضیح مانیز در کلمه توسعه شبیه همان اشخاص کور است. هر یک از ما فقط قسمتی و یا جنبه‌ای از توسعه را می‌بینیم و با دیدن همان یک قسمت تصور می‌کنیم حقیقت را یافته‌ایم در حالیکه اینطور نیست. توسعه پدیده‌ای بسیار پیچیده و مشکل است و ما نمی‌توانیم مفهوم آنرا درک کنیم مگر اینکه سعی نمائیم بطور همزمان جنبه‌های مختلف آنرا ببینیم.

تعریف کلمه توسعه مشکل است ولی مشاهده آن آسان می‌باشد. اگر دو منطقه (آ) و (ب) را انتخاب کنیم و در منطقه (آ) غذا و ک...

تمام افراد وجود داشته باشد، مردم همه آراسته و خوش لباس و دارای خانه‌های خوب باشند، جاده‌های خوب و مدارس و بیمارستانهای خوب به تعداد کافی وجود داشته باشد و در منطقه (ب) تعداد چیزهایی که گفته شد کمتر باشد و در عوض تعداد فقرا زیاد باشد کدام منطقه توسعه یافته است؟ مسلماً منطقه (آ) را منطقه پیشرفته می‌نامیم. برای گفتن اینکه کدام منطقه پیشرفته است احتیاجی بدانستن معنای توسعه نداریم یعنی اصل رفاه مردم یکی از معیارهای مهم تعیین پیشرفت است.

ناحیه‌ای توسعه یافته شناخته میشود که مردم آن بتوانند احتیاجات اصلی زندگی‌شان را برآورده سازند. ولی فرض کنیم که ناحیه دیگری به نام (ث) وجود دارد که از لحاظ مادی به اندازه ناحیه (آ) ثروتمند است ولی مردم در این ناحیه فریب می‌خورند و رهبران زندگی خوبی برای آنها بوجود نمی‌آورند. اگر ما ما بپرسند که کدامیک از این دو ناحیه پیشرفته‌تر است مجدداً ناحیه (آ) را انتخاب می‌کنیم. اگر مردم در ناحیه (ب) درستکار و سخاوتمند باشند و بهم کمک کنند ولی از

*** همانطور که سلامتی وضع جسمی مردم را نشان می‌دهد آموزش و پرورش نیز نشان دهنده مهارتها و استعداد های فکری افراد است. در کشورهای در حال توسعه تمام کودکان با استعداد نمی‌توانند به مدرسه بروند. تحصیلات ابتدائی در بسیاری از این کشورها اجباری نیست و تعداد بزرگسالان باسواد در سطح پائینی است.**

*** متأسفانه مردم بندرت پی به مفهوم واقعی توسعه می‌برند و این موضوع نه تنها باعث توسعه غیر متعادل در کشورهای جهان سوم می‌گردد، بلکه مشکلات محیطی و اجتماعی جدی‌ای را نیز به همراه دارد و در حالیکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه رشد اقتصادی بر حسب درآمد ملی صورت گرفته و فقر افزایش یافته و خصوصیت محیط روبه زوال نهاده است.**

*** یکی از اهداف کشورهای در حال توسعه این است که درآمد سرانه را در کشورشان افزایش دهند و در عین حال اختلافات فاحشی را که در درآمد سرانه وجود دارد کاهش دهند.**

*** برنامه‌ریزی برای توسعه باید نه تنها طوری باشد که باعث افزایش درآمد کشور گردد بلکه باید محیط نامناسبی را که افراد فقیر گرفتار آن هستند از بین ببرد.**

*** برای سنجش میزان فقر راههای زیادی وجود دارد. سه شاخص عمده و اصلی برای تعیین تفاوت بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه عبارتند از:**

۱- درآمد ۲- سلامتی ۳- آموزش و پرورش

لحاظ مادی فقیرتر باشند کدامیک از دو ناحیه ب و ث توسعه یافته‌تر است؟ جواب بستگی بطرز تفکر ما دارد. البته همه ما قبول می‌کنیم که اگر ثروت مادی ناحیه (ث) را با شرایط مردم ناحیه (ب) با هم جمع کنیم و وضعی مانند ناحیه (آ) بوجود آید موقعیتی ایده‌آل خواهد بود یعنی باز هم ناحیه (آ) را توسعه یافته‌ترین ناحیه می‌شناسیم.

نتیجه مهمی که از این بحث می‌گیریم اینست که توسعه نه تنها انسان را به جستجوی رشد و بهبود اقتصادی خود از طریق افزایش تولید در مزارع و کارخانجات و میدارد بلکه عطف و سخاوت را در مردم نسبت به هموعانشان بوجود می‌آورد. توسعه‌ای که باعث خودخواهی و ظلم و سهل‌انگاری می‌شود توسعه واقعی نیست. در عین حال می‌دانیم که تا زمانی که غذای کافی برای خوردن، لباس برای پوشیدن، خانه برای زندگی، وسیله برای کسب درآمد، مدرسه برای تعلیم کودکان و بیمارستان برای تسکین بیماری نداشته باشیم نمی‌توانیم افراد خوبی باشیم و تنها انسانی خوب است که راضی باشد. فقر افراد را وادار می‌سازد که نادرست باشند. اگر چه افراد فقیری را نیز می‌شناسیم که درستکار هستند ولی هدف ما صحبت از قلیس زنان و مردانی نیست که علیرغم تنگدستی به درجات رفیعی رسیدند مانند بعضی از مقدسین و صوفیها که ثروتمند نبودند. هدف ما زنان و مردان در سطح عادی و معمولی هستند مثل من و شما، کشاورزان و کارگران کارخانه‌ها، معلمین مدارس، کارکنان مراکز بهداشتی که برایمان توسعه مفاهیم زیسر را داراست:

۱- افزایش رفاه مادی از طریق افزایش تولید.

۲- افزایش رفاه اجتماعی از طریق تعلیم و تربیت آموزش و برنامه‌های بهداشتی.

۳- بهبود وضع اجتماعی مردم مانند استغنیای زندگی خانوادگی و اجتماعی، هنر، موسیقی و غیره، بر اساس تعلقات و ترجیحات افراد.

۴- افزایش امنیت، آزادی و فرصتهای مناسب، و همینطور شعور شرکت در امور محلی، منطقه‌ای و ملی.

۵- توزیع عادلانه ثمرات پیشرفت در میان گروههای مردم و مناطق مختلف کشور.

بدیهی است که توسعه مفهومی بیشتر از افزایش درآمد و توانائی مالی مردم دارد. عبارت دیگر مفهوم این کلمه عبارتست از تبدیل افراد به انسانهای بهتر. همینطور دلالت بر این دارد که افراد مختلف به انواع مختلف توسعه نیاز دارند. فقیر به وسائل و ابزاری احتیاج دارد که بتواند بوسیله آن درآمد بیشتری کسب نماید. ثروتمند احتیاج دارد ثروتش را افزونی دهد، بجهت به وسائل

آموزشی نیازمندند، بزرگسالان بیسواد نیازمند سواد و بیمار نیازمند وسائلی است که با آن سلامت را حاصل نماید. عبارت دیگر توسعه عبارتست از پروژه‌هایی که:

الف- باعث تولید کالاها و خدمات بیشتری گردد تا احتیاجات اساسی افراد برآورده گردد.

ب- سرمایه‌ها و درآمد را بین اقشار مختلف جامعه طوری توزیع نماید که هر کس بتواند وسائل و خدمات تولید شده را خریداری نماید.

ج- نوع زندگی مردم را با افزایش و بهبود خدمات ترفی دهد.

د- مردم را قادر سازد مسئولیتهای سنگین تری برای اداره امور محلی، منطقه‌ای و ملی بعهده گیرند و رفاه خود و فرزندانشان نیز تأمین گردد.

توسعه واقعی از چهار امر فوق مستثنی نیست. به این دلیل توسعه فرآیندی است جامع و کامل و تنها وسیله افزایش درآمد یا توسعه کشاورزی و صنعتی نیست.

متأسفانه مردم بندرت پی به مفهوم واقعی توسعه می‌برند و این موضوع نه تنها باعث توسعه غیرمتعادل در کشورهای جهان سوم می‌گردد بلکه مشکلات محیطی و اجتماعی جدی‌ای را نیز به همراه دارد و درحالی‌که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه رشد اقتصادی برحسب درآمد ملی صورت گرفته فقر افزایش یافته و خصوصیت محیط رو به زوال نهاده است. در بسیاری از کشورها دخالت مردم در امور اجتماعی کاهش یافته و موسسات سنتی احتیاجات مردم را برمی‌آورند و مسئولیتهای از بین رفته است. کشورهای جهان را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

کشورهای پیشرفته یا توسعه یافته و کشورهایی که کمتر پیشرفت کرده‌اند (یا کشورهای درحال توسعه). کشورهای پیش‌رفته آنهایی هستند

که از لحاظ اقتصادی غنی می‌باشند و مردم این قبیل کشورها درآمدشان بیشتر از مردم کشورهای درحال توسعه است. تفاوت‌های دیگری نیز بین این دو گروه وجود دارد. در کشورهای پیشرفته افراد خیلی کمی بکار کشاورزی اشتغال دارند درحالی‌که در اکثر کشورهای در حال توسعه زندگی اکثر افراد به کشاورزی وابسته است. حال بطور مفصل‌تر به بررسی تفاوت بین این کشورها می‌پردازیم.

در مجموع ۱۵۳ کشور عضو سازمان ملل متحد می‌باشند که ۳۵ کشور مانند ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، شوروی، ژاپن و غیره از کشورهای پیشرفته و ۱۱۸ کشور مانند چین، هند، برزیل، نیجریه، بنگلادش، از کشورهای درحال توسعه می‌باشند.

تمام کشورهای درحال توسعه شبیه بهم

نیستند و مشکلات مشابهی ندارند بلکه تفاوت‌هایی در بین آنها وجود دارد و لسی مشخصات مشترک آنها بقرار زیر است:

۱- سطح زندگی پایین
۲- سطوح پایین تولید
۳- رشد جمعیت بمیزان زیاد و وابستگی شدید

۴- بیکاری زیاد و روزافزون و کمی‌کار
۵- وابستگی شدید به تولیدات کشاورزی و صدور مواد اولیه

۶- ناهماهنگی شدید از لحاظ درآمد، تولید و خدمات در میان پرسنل، گروهها و مناطق مختلف

۷- وابستگی و آسیب‌پذیری در روابط بین‌المللی.

حالا مشخصات فوق را بطور مفصل‌تر بررسی می‌کنیم.

- سطوح پایین زندگی

شاید مهمترین و نمایانترین خصوصیت یک کشور درحال توسعه فقر توده مردم باشد. در این کشورها افراد فقیر بیشمار وجود دارند که غذای کافی برای خوردن ندارند و حداقل پوشاک را دارا می‌باشند و بسیاری از آنها حتی از داشتن آلتی برای زندگی محرومند. در این قبیل کشورها مردم فقیرند و بچه‌هایشان قادر به تحصیل نیستند. این افراد



در هنگام بیماری نه قادرند مخارج دکتر را بپردازند و نه می‌توانند زیاد کار کنند زیرا هم از لحاظ جنسی و هم از لحاظ روانی ضعیف هستند. می‌گویند فقر زائیده فقر است، اگر شخصی فقیر باشد فقیرتر هم می‌شود. تصور کنید شخصی ۵۰۰۰ دلار پول در بانک دارد که هر سال ۵۰۰ دلار بهره به آن تعلق می‌گیرد. اگر

مقدار بهره ده درصد باشد این مقدار پول در ظرف هفت سال دو برابر می‌شود یعنی پس از هفت سال ۱۰۰۰۰ دلار پول دارد و لسی شخص فقیری را مجسم کنید که از بانک وام گرفته و روی پولی که گرفته سرمایه‌گذاری نکرده. این شخص ناچار است هر سال ده درصد بهره به بانک بپردازد. فرض می‌کنیم که این شخص ۵۰۰۰ دلار برای ازدواج دخترش از بانک وام گرفته، در مدت هفت سال باید ۱۰۰۰۰ دلار بپردازد و اگر این پول را از افرادی که نزول می‌دهند می‌گرفت در ظرف چهار یا پنج سال مجبور بود دو برابر آنرا بپردازد. زیرا این قبیل افراد بهره بیشتری روی پول خود طلب می‌کنند. بنابراین شخص فقیر برای تصفیه بدهش فقیرتر می‌شود و ناچار به فروش مایملکش می‌گردد و چه کسی خریدار مایملک اوست؟ یا شخصی که در بانک پول دارد و یا شخصی که پول قرض می‌دهد.

مثال دیگری می‌زنیم، فرض کنیم شخصی بدلیلی فقیر میشود و بعلت فقر نمی‌تواند درست تغذیه نماید بهمین دلیل سلامتش بخطر می‌افتد. یا، بدلیل فقر نمی‌تواند به دکتر مراجعه کند و از داروهای خانگی استفاده می‌کند بنابراین بدلیل بیماری نمی‌تواند زیاد کار کند و درآمد زیادی داشته باشد بهمین دلیل نمی‌تواند خوب تغذیه کند و ماجرا بهمین ترتیب ادامه پیدا می‌کند و او فقیرتر میشود. ولی ماجرا همین جا یعنی با زندگی خود او تمام نمیشود. شرایط او در وضع تمام خانواده تأثیر می‌کند همسرش هنگام زایمان می‌میرد و بچه‌هایش مجبورند در سنین پایین شروع بکار کنند و با این ترتیب نمی‌توانند به مدرسه بروند. حتی اگر تحصیلات مجانی باشد بچه‌ها ترجیح می‌دهند کار کنند و درآمد کمی داشته باشند یا مجبورند از چند بز و مرغ خانواده مراقبت کنند. بز و مرغ برای افراد ثروتمند دارایی زیادی نیست ولی برای شخص فقیر ارزش زیادی دارد و باید از آن مراقبت بعمل آید. باین ترتیب خانواده نه تنها در حال حاضر فقیر است بلکه حتی پس از مرگ والدین نیز فقیر باقی می‌ماند. اگر بچه‌ها تحصیل نکنند نمی‌توانند درآمد چندانی داشته باشند. ثروتمند شدن برای شخص فقیر امر فوق‌العاده مشکلی است. برنامه‌ریزی برای توسعه باید نه تنها طوری باشد که باعث افزایش درآمد

کشور گردد بلکه باید محیط نامناسبی را که افراد فقیر گرفتار آن هستند از بین ببرد. برای سنجش میزان فقر راههای زیادی وجود دارد سه شاخص عمده و اصلی برای تعیین تفاوت بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه عبارتند از:

۱- درآمد ۲- سلامتی ۳- آموزش و پرورش البته شاخصهای دیگری نیز وجود دارد و سه شاخص بالا جنبه توضیحی دارد ولی نکته مهم بستگی و ارتباط این شاخصها به همدیگر است. کشور یکه دارای درآمد سرانه بالاست افرادش تحصیلکرده و سالم هستند و سطح تولید در مزارع و کارخانجات آن نیز بالاست در حالی که

این وضع در کشورهایی که دارای درآمد کم هستند کاملاً برعکس است.

درآمد

درآمد ملی یک کشور شامل ثروتی است که در یک سال بخصوص تولید می شود. فرض کنید که ارزش پولی کلیه کالاهایی که در نواحی شهری و روستایی یک کشور تولید میشود (مانند غلات، پارچه، ماشین آلات و غیره) را داشته باشیم و برای خدماتی که مؤسسات آموزشی، مراکز بهداشتی،

شاید مهمترین نمایانترین خصوصیت یک کشور در حال توسعه فقر توده مردم باشد.

بیمارستانها، مراکز تعلیم و تربیت، ادارات دولتی و غیره نیز ارزش پولی در نظر بگیریم و به آن اضافه کنیم به این ترتیب ارزش کلیه کالاها و خدماتی را که در یک مملکت تولید می شود بدست می آوریم. این ارزش تولید ناخالص داخلی (GDP) نامیده میشود. اگر ارزش کالاهایی را که خارجها تولید می کنند و کالاهایی که بخارج از کشور صادر می شود را از آن کسر کنیم تولید ناخالص ملی (GNP) بدست می آید.

اگر تولید ناخالص ملی را به تعداد افرادی که در کشور زندگی می کنند تقسیم کنیم درآمد سرانه کشور بدست می آید. تاثیر تولید و جمعیت روی درآمد سرانه کاملاً مشهود است. اگر سطح تولید پائین و جمعیت زیاد و در حال افزایش باشد درآمد سرانه مردم پائین خواهد بود. معمولاً کشورهای در حال توسعه دارای جمعیت زیاد و در حال افزایش و سطح تولید هر کارگر و هر هکتار زمین پائین است.

جدول (۱) درآمد سرانه بعضی از کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه را نشان میدهد. چنانچه در این جدول می بینیم درآمد سرانه در کشورهای پیشرفته بالاست در حالی که در کشورهای در حال توسعه

جدول ۱- درآمد سرانه بعضی از کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه ۱۹۸۰ منبع: بانک جهانی- گزارش جهانی توسعه، ۱۹۸۲ نام کشور درآمد سرانه بر حسب دلار آمریکا کشورهای پیشرفته: ایالات متحده آمریکا ۱۱۳۶۰ ژاپن ۹۸۹۰ بریتانیا ۷۹۲۰ اتحاد جماهیر شوروی ۴۵۵۰ کشورهای در حال توسعه: بنگلادش ۱۳۰ نپال ۱۴۰ هند ۲۴۰

پاکستان ۳۰۰ چین ۲۹۰ اوگاندا ۳۰۰ مصر ۵۸۰ فیلیپین ۶۹۰

البته این جدول تمام ماجرا را نشان نمی دهد. عامل ناراحت کننده اینست که درآمد سرانه کشورهای پیشرفته بسرعت افزایش می یابد در حالیکه در کشورهای در حال توسعه این افزایش بکندی صورت می گیرد. ادامه این وضع باعث فاصله بیشتر بین درآمدهای کشورهای پیشرفته و در حال توسعه خواهد بود.

علاوه بر این در کشورهای در حال توسعه تقسیم نامساوی و ناهماهنگ درآمد ملی در میان اقشار مختلف مردم عامل دیگریست. مثلاً درآمد سرانه در کشور فیلیپین ۶۹۰ دلار است ولی این بدان معنا نیست که هر کس در این کشور این مقدار درآمد دارد. بعضی از افراد سطح درآمدشان فوق العاده بالاست در حالیکه بسیاری از افراد دیگر کمتر از حد متوسط درآمد سرانه درآمد دارند. اکثر این افراد از طبقه پائین تر از فقیر هستند (زیر خط فقر زندگی می کنند) و درآمدشان آنقدر پائین است که حتی نمی توانند غذا و پوشاک و مسکن خود را تامین نمایند.

متأسفانه در کشورهای در حال توسعه تفاوت درآمد سرانه بین افراد بیشتر از کشورهای پیشرفته است. بعلاوه بعلت پائین بودن سطح درآمد سرانه در کشورهای در حال توسعه اکثریت افراد دچار تهیدستی شدید می باشند. یکی از اهداف کشورهای در حال توسعه این است که درآمد سرانه را در کشورشان افزایش دهند و در عین حال اختلافات فاحشی را که در درآمد سرانه وجود دارد کاهش دهند. در ابتدای این بخش به محیط زیستی نامناسب و فاسدی اشاره کردیم که برای افراد فقیر بوجود می آید این محیط شامل تمام کشورهای فقیر جهان نیز می شود.

اگر کاری برای از بین بردن این عدم تناسب در محیط انجام نشود بزودی تمام کشورهای فقیر فقیرتر نیز خواهند شد. سلامتی

سطح زندگی مردم در وضع سلامت آنها نیز تاثیر می گذارد. از این لحاظ تفاوت فاحشی بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه بعلت پائین بودن درآمد سرانه و در نتیجه عدم تغذیه کافی بیماریهای زیادی گریبانگیر مردم است که باعث مرگ زودرس آنان می شود. بچهها بیشتر دچار بیماری می شوند و بسیاری از آنها حدود یکسال پس از تولد می میرند. در این کشورها مردم بعلت پائین بودن درآمد سرانه قادر به خریداری دارو و مراجعه به دکتر و غیره نیستند و فقط موقعی به بیمارستان می روند که سلامشان جدا به مخاطره افتاده باشد.

داشتن درآمد بیشتر باعث میشود که مردم از غذاهای مغذی مانند شیر، میوهجات، سبزیجات، تخم مرغ و غیره استفاده نمایند و مصرف حبوبات کاهش یابد. در کشورهای در حال توسعه مردم بدلیل فقر بیشتر از حبوبات استفاده می کنند و متأسفانه تولید حبوبات در بسیاری از این کشورها کم است و باید از خارج وارد شود.

بنابراین کلیه کشورهای در حال توسعه سعی می کنند با استفاده از کاشت انواع دانهها، کودهای شیمیائی و آبیاری بهتر سطح تولید مواد غذایی را بالا ببرند ولی افزایش تولید مشکل را حل نمی کند و مردم برای خرید غذا باید پول داشته باشند و پول فقط در مقابل کار بدست می آید بنابراین مشکل مجدداً حالتی غامض پیدا می کند.

جدول ۲ واقعیهائی را در مورد سلامتی مردم در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه نشان می دهد. ستون اول میزان تغذیه کم یا زیاد را نشان می دهد. ستون دوم میزان مرگ و میر کودکان در گروه سنی یک تا چهار سال را در هر ۱۰۰ نفر نشان می دهد. ستون سوم میزان دسترسی به دکتر و ستون چهارم طول عمر را نشان می دهد. اختلاف بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه چنان مشهود است که احتیاجی به توضیح نیست.

آموزش و پرورش

همانطور که سلامتی وضع جسمی مردم را نشان می دهد آموزش و پرورش نیز نشان دهنده مهارتها و استعداد های فکری افراد است. در کشورهای در حال توسعه تمام کودکان با استعداد نمی توانند به مدرسه بروند. تحصیلات ابتدائی در بسیاری از این کشورها اجباری نیست و تعداد بزرگسالان با سواد در سطح پائینی است. در کشورهای پیشرفته یک سیستم موثر



در جدول ۳ ارقام نشان دهنده تفاوت وضعیت آموزش و پرورش در کشورهای توسعه یافته (پیشرفته) و کشورهای فقیر است. ادامه دارد

آموزشی وجود دارد. و تمام بچه‌ها به مدرسه می‌روند و میزان بزرگسالان باسواد در سطح بالایی است. این کشورها دارای یک سیستم فوق‌العاده پیشرفته تحصیلات عالی نیز هستند.

جدول ۲- شرایط بهداشتی در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه منبع: بانک جهانی، گزارش توسعه جهان در سال ۱۹۸۰

نام کشور	تهیه کالری روزانه برای هر نفر بر حسب درصد مورد لزوم در سال ۱۹۷۷	میزان مرگ و میر کودکان (گروه سنی ۱ تا ۴ سال) در سال ۱۹۷۸	دسترسی به دکتر بر اساس مقدار جمعیت در سال ۱۹۷۷	طول عمر تقریبی در سال ۱۹۷۸
کشورهای پیشرفته:				
ایالات متحده آمریکا	۱۳۵	۱	۵۸۰	۷۳
بریتانیا	۱۳۲	۱	۷۵۰	۷۳
ژاپن	۱۲۶	۱	۸۵۰	۷۶
اتحاد جماهیر شوروی	۱۳۵	۱	۳۰۰	۷۰
کشورهای در حال توسعه:				
بنگلادش	۷۸	۲۳	۹۲۶۰	۴۷
هندوستان	۹۱	۱۸	۳۶۲۰	۵۱
پاکستان	۹۹	۱۷	۳۷۸۰	۵۲
نیپال	۹۱	۲۳	۳۵۲۱۰	۴۳
افغانستان	۱۱۰	۲۷	۱۴۸۹۰	۴۲
چین	۱۰۵	۱	N.A.	۷۰
مصر	۱۰۹	۱۸	۱۰۷۰	۵۴
اوگاندا	۹۱	۱۷	۲۷۶۰۰	۵۳
کوبا	۱۱۸	۱	۴۸۰	۷۲

جدول ۳

نام کشور	تعداد دانش آموزان ابتدایی بر حسب درصد گروه سنی در سال ۱۹۷۹	تعداد دانش آموزان متوسطه بر حسب درصد گروه سنی در سال ۱۹۷۹	تعداد دانشجویان بر حسب درصد گروه سنی در سال ۱۹۷۶	میزان بزرگسالان باسواد در سال ۱۹۷۷
کشورهای پیشرفته:				
ایالات متحده آمریکا	۹۸	۹۳	۵۶	۹۹
بریتانیا	۱۰۵	۸۲	۱۹	۹۹
ژاپن	۱۰۱	۹۳	۲۹	۹۹
جماهیر شوروی	۱۰۱	۷۳	۲۲	۹۹
کشورهای در حال توسعه:				
بنگلادش	۶۵	۲۵	۲	۲۶
هندوستان	۷۸	۲۷	۶	۳۶
پاکستان	۵۶	۱۶	۲	۲۱
نیپال	۸۸	۱۹	۲	۱۹
افغانستان	۲۲	۷	۱	۱۲
چین	۱۱۸	۷۹	۱	۶۶
مصر	۷۵	۴۸	۱۴	۴۴
اوگاندا	۵۰	۵	۱	۴۸
کوبا	۱۱۲	۷۱	۱۱	۹۶

تجاوز کند زیرا ممکنست بعضی از دانشجویان پائین تر و یا بالاتر از سن متوسط داشته باشند.

منبع: بانک جهانی، گزارشات پیشرفت جهانی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۲. الفد برای کشورهایی که دارای آموزش و پرورش ابتدایی جهانی هستند میزان ثبت نام دانش آموزان ممکن است از ۱۰۰